



درگذشت استاپارد

تام استاپارد، نمایشنامه‌نویس وفیلمنامه‌نویس برنده اسکار برای فیلم «شکسپیر عاشق» در سن ۸۸ سالگی درگذشت. استاپارد در چکسلواکی سابق، دیده به جهان گشود اما وقتی آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم بر این کشور مسلط شدند، از آنجاگریخت ودهمهابوددر انگلستان می‌زیست. استاپارد در عرصه نمایش شهرتی فراوان دارد و چهار بار برای نمایشنامه‌های «روزنکراتنس وگیلدنسترن مرده‌اند»، «مسافرت‌ها»، «چیز واقعی» و «ساحل آرمان‌شهر» جایزه تونی را کسب کرد. جایزه تونی، معتبرترین جایزه در تئاتر ایالات‌متحده آمریکا و معادل جایزه اسکار در عالم سینماست و استاپارد نخستین‌بار برای نمایشنامه «روزنکراتنس و گیلدنسترن مرده‌اند» که در سال ۱۹۶۶ در بریتانیا به اجرا درآمد، به کسب این جایزه نائل آمد. او بعدتر فیلمنامه اقتباس سینمایی این اثر را نیز نوشت و این فیلم در جشنواره ونیز ۱۹۹۰، شیر طلایی را برد. ازجمله موضوعات موردتوجه استاپارد در آثارش می‌توان به‌تم‌های خیانت، سیاست و هویت اشاره کرد. آخرین اثر او در سال ۲۰۱۵، نمایش فلسفی «مسئله‌دشوار» بود.



ممنوعیت رونی در بریتانیا

دولت بریتانیا در مردامه‌ا ۱۴۰۴، گروه «اقدام برای فلسطین» را ممنوع اعلام کرد و آن را در سطحی مشابه گروه‌های تروریستی «داعش» و «القاعده» قرار داد. براساس قانون جدید، عضویت در این گروه، جرم است و می‌تواند تا ۱۴ سال زندان در پی داشته باشد. همین امر باعث‌شده است که سالی رونی، نویسنده مشهور ایرلندی و نویسنده آثاری پرفروش در بریتانیا همچون: «آدم‌های معمولی» و «گفت‌وگو با دوستان» در بیابانه‌ای اعلام کند که به‌دلیل حمایت علنی‌اش از گروه «اقدام برای فلسطین»، احتمالاً دیگر قادر به انتشار آثار جدیدش در بریتانیا نخواهد بود. رونی ۳۴ساله که از ترس بازداشت در بریتانیا، از سفر به این کشور برای دریافت یک جایزه ادبی نیز صرف‌نظر کرده است، پیش‌تر اعلام کرده بود که قصد دارد درآمد حاصل از آثارش را برای حمایت از این گروه حامی فلسطین صرف کند. او اینک در بیابنه خود از این احتمال سخن به‌میان آورده است که ناشرش، فابر اند فابر، به‌طور قانونی از پرداخت حق‌الزحمه‌های او منع شود.



شب ۷۰سالگی گروه ادبیات فارسی دانشگاه مشهد

به‌مناسبت هفتادمین سالروز تأسیس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد،نهمصدویست‌ویک‌مین‌شب ازسلسله‌شب‌های بخارا، به‌بررسی تأثیرات علمی و فرهنگی این گروه و گرامی‌داشت یاد استادان برجسته آن اختصاص یافته است. این نشست در ساعت پنج‌بعدازظهر روز دوشنبه دهم آذرماه ۱۴۰۴ با سخنرانی محمدرضا شفیعی کدکنی (پيام‌تصویری)، محمدجعفر یاحقی، محمدرفاه عطایی، محمد دهقانی، محمود فتوحی، مهدی مجبتی، محمد تقوی، سمیرا یامشکی و سلمان ساکت در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار خواهد شد. گروه زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۳۴ به پایدردی علی مؤید ثابّتی و محمود فرخ و به ریاست علی اکبر فیاض، تأسیس و نخستین کلاس آن در ۱۱ آذرماه آن سال تشکیل شد. علاوه بر فیاض، استادان نامداری چون غلامحسین یوسفی، احمدعلی رجایی بخارایی و جلال متینی در تثبیت و گسترش این گروه نقش آفرینی کردند. گروه ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد بعد از گروه ادبیات دانشگاه تهران، اولین گروهی بود که به اخذ مجوز تأسیس دوره‌های فوق‌لیسانس ودکتری نایل آمد.

فرهنگ

CULTURE

۱۴



سینمای جهان

تصویر: Alexi Lubomirski

هیپ‌هاپ و فیلم

نسخه‌ای از «رپ» جهت استفاده از آن در «سینما»

۳ قافیه: در فرم هیپ‌هاپ، قافیه صرفاً یک تزئین انتهایی نیست؛ بلکه محوری است که هنرمند حول آن نوآوری می‌کند و مخاطب براساس توانایی هنرمند در اجرای الگوهای قافیه مؤثر، مهارت او را می‌سنجد. این شامل طیف وسیعی از تکنیک‌هاست؛ قافیه‌های انتهایی، قافیه‌های داخلی و بازی‌های آوایی مانند جناس.

۴ فلو و عروض: فلو و ریتم همان چیزی است که عروض هیپ‌هاپ نامیده می‌شود. این مفهوم به به‌کارگیری استر‌ترتیک تأکیدها و هجاها در خطوطی که دارای الگوی قافیه هستند، اشاره دارد. این عروض، فرصتی بی‌نهایت برای هنرمند فراهم می‌کند تا اثری آشنا اما منحصر‌به‌فرد خلق کند.

▼ فرم در سینما

به‌طور موازی، فرم فیلم نیز به‌عنوان ساختار و سبک کلی یک‌فیلم تعریف می‌شود که شامل عناصر روایی و سبکی است. ۱-**عناصر تکنیکی:** این عناصر، ابزارهای بنیادین زبان سینما هستند

میزانسن: تنظیم تمام عناصری که در کادر ظاهر می‌شوند از جمله بازیگران، نورپردازی، دکور و لباس. فیلمبرداری: انتخاب‌های مربوط به دوربین مانند زوایای دوربین، حرکات (مانند دالی یا کَرین) و لنزها. تدوین: فرآیند انتخاب، ترکیب و چیدمان شات‌ها در یک سکانس منسجم طراحی صدا: شامل دیالوگ، افکت‌های صوتی و موسیقی، که به اتمسفر کلی و تأثیر عاطفی کمک می‌کند. ۲-**عناصر روایی:** این عناصر به چگونگی ساختاردهی داستان مربوط می‌شوند:

ساختار: رایج‌ترین مدل، ساختار سه‌پرده‌ای است که داستان را به برپایی، رویارویی وحل‌وفصل تقسیم می‌کند. تفاوت‌های ساختاری: درک فرم روایی برای تشخیص تفاوت‌های ژانری حیاتی است. فیلم‌های جریان اصلی معمولاً دارای ساختار علت‌ومعلولی، پایانی مشخص وروایتی خنثی ودانای کل هستند. درمقابل فیلم‌های هنری اغلب دارای ساختار اپیزودیک، پایان باز و روایت سوژکتیو هستند و سبک فیلمساز در آن‌ها برجسته‌تر است.

▼ تحلیل فرمال

مفهوم «فرم حین انجام کار» که در تحلیل شعرشناسی هیپ‌هاپ مطرح شده، نقطه‌تلاقی نظری اساسی بین این دو رسانه است. در رپ، محدودیت دلیلی برای وجود ساختار است و فرم برای قابل شنیدن، قابل تشخیص و قابل فهم کردن یک شعر، حیاتی است. این توصیف دقیقاً همان چیزی است که نظریه‌پردازان فیلم هنگام توصیف چگونگی هماهنگی عناصر فرمال سینما (تدوین، میزانسن، فیلمبرداری و صدا) برای تولید معنا و ساختن روایت به‌کار می‌برند. در هیچ‌کدام از دو رسانه، فرم یک طرف خالی برای ریختن محتوا در آن نیست؛ بلکه یک فرآیند پویا و فعال است. فرم، مجموعه‌ای از انتخاب‌های سبکی و ساختاری است که تحت مجموعه‌ای از محدودیت‌های مورد توافق (بیت و قافیه در رپ؛ کادر و زمان در سینما) به‌طور فعال معنا را تولید و شکل می‌دهند. درک این پویایی، کلید درک شباهت‌های عمیق‌تر بین «فلو»ی رپر

و «تدوین» فیلمساز است.

▼ جریان سیال ریتمیک

فلو، به‌عنوان مرکزی‌ترین ابزار بیانی رپر، شباهت‌های چشمگیری با رویکردهای سینما به ریتم، زمان و سوژکتیو پنهان دارد.

▼ تحلیل فلو در رپ

فلو اغلب به‌اشتباه به سرعت خواندن معنی می‌شود، اما تحلیل‌های آکادمیک آن را به‌عنوان مفهومی بسیار پیچیده‌تر، یعنی عروض هیپ‌هاپ، تعریف می‌کنند. فلو، نحوه بازی رپر با تأکیدها، هجاها و وقفه‌ها در برابر ضرب‌آهنگ ثابت پس‌زمینه است.

۱ فلو به‌مثابه جریان سیال ذهن: در سطوح پیچیده‌تر، فلو به ابزاری برای بازنمایی شناخت تبدیل می‌شود. رپر‌ها از ترتیبات جریان سیال ذهن به‌صورت گرامری استفاده می‌کنند. آن‌ها با معکوس کردن ترتیب فاعل و فعل، ابداع کلمات جدید که خارج از آن موقعیت معنایی ندارند و کنار هم قراردادن استعاره‌ها و ارجاعات متناقض، گرامر زبان استاندارد را می‌شکنند.

۲ فلو به‌مثابه عدم هم‌ترازی: تحلیل‌های آکادمیک پیشرفته‌تر، فلو را از بُعد قانون‌شکنی آن بررسی می‌کنند. این مطالعات، فلو را به‌عنوان عدم هم‌ترازی یا خطایی نسبت به بیت بررسی می‌کنند. نکته حیاتی اینجاست که این خطاها تصادفی یا نشان‌دهنده ضعف‌تکنیکی نیستند، بلکه یک تمرین بیانی آگاهانه و عامدانه محسوب می‌شوند. این لحظات خارج از بیت به‌عنوان لحظات نشانه‌گذاری شده توصیف می‌شوند که دارای بار معنایی و عاطفی بیشتری نسبت به فلوهای هماهنگ و نرمال هستند.

۳ فلو به‌مثابه شبه‌آگاهی پرفورماتیو: فلو به‌عنوان یک استراتژی پرفورماتیو برای دستیابی به‌وضوح بیشتر در مورد تروماهای شخصی به‌کار می‌رود و به رپر اجازه می‌دهد تا آگاهی خود را در لحظه اجرا بازنمایی کند.

▼ ریتم در تدوین سینمایی

در سینما، ابزار معادل برای کنترل تجربه زمانی مخاطب، تدوین است. تدوین، ریتم و گام (موسیقایی) فیلم را کنترل می‌کند.

۱ گام و تمپو: ریتم در تدوین، الگو و جریان عناصر بصری - مانند کات‌ها، طول شات‌ها و حرکات دوربین - است که یک تمپوی بصری و عاطفی را برای بیننده ایجاد می‌کند. استفاده از شات‌های کوتاه و سریع، سرعت و آدرنالین را (مانند صحنه‌های اکشن) افزایش می‌دهد. در حالی که شات‌های بلند و با ریتم کندتر (مانند صحنه‌های عاشقانه) به احساسات اجازه می‌دهند تا درک کنند.

۲ مونتاژ ریتمیک: نظریه‌پرداز بزرگ شوروی، سرگئی آیزنشتاین، این مفهوم را به اوج خود رساند. نظریه مونتاژ ریتمیک او فراتر از مونتاژ متریک (که در آن طول شات‌ها صرفاً براساس یک الگوی زمانی ثابت کوتاه می‌شوند) می‌رود. در مونتاژ ریتمیک آیزنشتاین، حرکت درون کادر به‌اندازه طول شات اهمیت دارد. معنا از تضاد یا هماهنگی این دو حرکت (حرکت فیزیکی درون تصویر و حرکت ریتمیک کات‌ها) زاده می‌شود.

▼ تلاقی فرمال

ارتباط بین فلو و تدوین صرفاً یک قیاس نظری نیست، ریشه این هم‌گرایی در یک اصل مشترک نهفته است: «زیبایی‌شناسی پرکاسیو». هم رپ و هم اشکال خاصی از رقص / موسیقی آیینی، بر یک الگوی ریتمیک تکیه دارند. این همان اصلی است که در مونتاژ ریتمیک نیز به‌کار گرفته می‌شود.

▼ فلو و مونتاژ ریتمیک به‌مثابه یک تنش دیالکتیکی

این هم‌گرایی دو پیامد تحلیلی دارد:

۱-**تنش دیالکتیکی به‌جای انطباق:**

شباهت واقعی فلو ی پیشرفته و تدوین پیشرفته، سرعت نیست؛ بلکه تنش است. تدوین استاندارد هالیوودی بر تداوم و جریان روایی یکپارچه تمرکز دارد تا مخاطب به‌راحتی داستان را دنبال کند. در مقابل، مونتاژ ریتمیک آیزنشتاین بر تضاد و دیالکتیک استوار است: تضاد بین حرکت داخلی کادر و طول شات. به‌طور کاملاً مشابه، فلو ی ساده بر تداوم (هم‌ترازی کامل با بیت) تمرکز دارد. اما فلو ی پیچیده بر عدم هم‌ترازی و خطا متمرکز است. در هر دو فرم، معنا ی پیچیده نه‌از انطباق، بلکه از تضاد و تنش بین یک عنصر متغیر (کلمات رپر / حرکت درون کادر) و یک عنصر ثابت (بیت موسیقی / طول شات) ساخته می‌شود.

۲-**فلو به‌مثابه دوربین سوژکتیو:**

ارتباط دویم، پیوند فلو با سوژکتیو پنهان است. همان‌طور که اشاره شد، فلو به‌عنوان جریان سیال ذهن عمل می‌کند. این دقیقاً همان هدفی است که فیلم هنری از طریق روایت سوژکتیو دنبال می‌کند. بنابراین فلو در رپ، معادل شنیداری دوربین سوژکتیو در سینمای هنری است. هر دو، فرم‌هایی هستند که تداوم عینی جریان اصلی (بیت ثابت / روایت خنثی و دانای کل) را می‌شکنند تا مخاطب را مستقیماً در تجربه شناختی، روان‌شناختی و عاطفی سوژکتیو هنرمند غوطه‌ور کنند.

▼ دیس و کرو

دیس (منازه) به‌عنوان یک فرم بلاغی، ابزاری برای تحکیم کرو (ساختار جمعی) است.

بلاغت دیس بتل

منازه در هیپ‌هاپ صرفاً یک درگیری شخصی نیست، بلکه یک فرم هنری آیینی با قوانین و ساختارهای مشخص است.

۱-**تعریف فرمال:** «بتل رپ» یک سنت شفاهی رقابتی و جمعی است. ریشه‌های آن به سنت‌های شفاهی آفریقایی-آمریکایی مانند «دوجین‌ها» (یک بازی آیینی توهین متقابل) بازمی‌گردد.